

- 26- Domroes.M, M.Kaviani and Schaefer (1998): An Analysis of Regional and intra Annual Precipitation Variability over Iran Using Multivariate Statistical Methods.Theor.Appl.Climatol.61
- 27- Dubrule,O (1983). Two methods with different objectives: Splines and Kriging. Mathematical Geology 15.
- 28- Gemmer.M, S.Becker and T.Jiang (2004): Observed Monthly Precipitation Trends in China 1951-2002. Theor.Appl.Climatol. 77.
- 29- Hatfield.J.L, H.J. Prueger and D.M. Meek (1999): Spatial Variation of Rain fall over a large Watershed in Central Iowa. Theor.Appl.Climatol. 64.
- 30- Kane, R. P. and Teixeira (1991): Power Spectrum Analysis of the Annual Rainfall Series for Massachusetts (NE. U.S.A). Climatic Change. 18.
- 31- Katsoulis, Basil. D. and Kambetizidis, Harry.D (1989): Analysis of the Long-Term Precipitation Series at Athens, Greece. Climatic Change.14
- 32- Masoodian, Abolfazl (2003): On Precipitation Mapping in Iran, EGS-AGU-EUG joint Assembly, Nice, France, 6-11 April 2003. Available on www.ui.ac.ir/red/RCGSSS.
- 33- Mooly, D. A. and Parthasarathy, B (1984): Fluctuation in All- India Summer Monsoon Rainfall during 1871-1988. Climatic change. 6.
- 34- Qian. Wand and X.Lin (2005): Reginal Trends in Recent Precipitation Indices in China. Meteorol Atmos Phys 90.
- 35- Olaniran, J.Olajire (1991): Evidence of Climatic Change in Nigcria Based on Annual Series of Rainfall of Different Daily Amounts.1919-1985. Climatic change. 19.
- 36- Rajagopalan, Balaji and Lall, Upmanu (1998): Locally Weighted Polynomial Estimation of Spatial Precipitation. Journal of Geographic Information and Decision Analysis, Vol 2 No2.
- 37- Ramos. M. C (2001): Rainfall Distribution Patterns and Their Change over Time in a Mediterranean Area. Theor.Appl.Climatol. 69.
- 38- Stafford.J.M.,G.Wendler and J.Curtis (2000): Temperature and Precipitation of Alaska:50year trend Analysis.Theor.Appl.Climatol.67.
- 39- Tarawneh.Q and M.Kadioglu (2003): An Analysis of Precipitation Climatology in Jordan. Theor.Appl. Climatol. 74.
- 40- Totic.I and M. Unkasevic (2005): Analysis of Precipitation series for Belgrade.Theor.Appl.Climatol.80.
- 41- Unkasevic.M and D. Radinovic (2000): Statistical Analyses of Daily Maximum and Monthly Precipitation at Belgrade. Theor Appl Climatol. 66.
- 42- WMO (1966): Climate Change. Technical Note No 79.
- 43- Woodward, Wayne. A. and Gray, H. L (1993):Global Warming and the Problem of Testing for Trend in Time series Data. Journal of Climate. 6.

این تحقیق با حمایت مالی دانشگاه زنجان و در قالب یک طرح پژوهشی با همین عنوان انجام شده است. شایسته است که مراتب تشکر خود را به خصوص از معاونت محترم پژوهشی و حوزه‌ی مربوط دانشگاه اعلام دارم.

جغرافیا و توسعه - شماره ۱۰ - پاییز و زمستان ۱۳۸۶

صص: ۱۶۵-۱۸۲

وصول مقاله: ۱۳۸۶/۲/۲

تأیید نهایی: ۱۳۸۶/۸/۱۹

تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای موردشناسی: ریوش شهرستان کاشمر

محمد اسکندری ثانی

کارشناس ارشد جغرافیا دانشگاه یزد

دکتر محمدحسین سرایی

استادیار جغرافیا دانشگاه یزد

چکیده

در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، فرآیند تبدیل روستا به شهر و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای، بررسی شده است. پژوهش حاضر سعی دارد به این سوال پاسخ دهد که آیا سیاست تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و تأثیرات متعاقب آن می‌تواند گامی در جهت رسیدن به تعادل ناحیه‌ای تلقی گردد؟ در این راستا ریوش که در سال ۱۳۷۹ تبدیل به شهر شده است، در دو دوره‌ی زمانی قبل از شهر شدن و بعد از آن، به لحاظ متغیرهای مختلف جمعیتی، اشتغال، امکانات و تسهیلات خدماتی و تأثیرات آن بر ناحیه‌ی مورد مطالعه، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصله از تحلیل‌ها نشان می‌دهد که این شهر، در تثبیت و نگهداری جمعیت عملکرد ضعیف، در بسط کارکردها به درون نواحی پیرامونی و حوزه‌ی نفوذ ناموفق و در ارایه‌ی اشتغال، امکانات و تسهیلات به آن کاملاً ناموفق بوده است. به همین دلیل، شهر و ناحیه مورد مطالعه در شهرستان کاشمر، بیشترین نرخ مهاجرت فرستی را داشته‌اند. نتیجه اینک چون متعاقب تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک عمده سرمایه‌گذاری‌ها به امور زیربنایی و خدماتی اختصاص داده می‌شود نه به امور تولیدی و پایه‌ای؛ اینگونه سیاست‌ها فقط باعث تمرکز خدمات در این مراکز می‌شوند و نقاط مزبور نمی‌توانند نقش مورد انتظار را در تعادل بخشی ناحیه‌ای ایفا نمایند. در پایان برای رسیدن به توسعه‌ی متعادل و منطقی که همسو با توسعه‌ی پایدار شهری و ناحیه‌ای باشد، پیشنهادهای آرایه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: شهر کوچک، روستاهای بزرگ، ریوش، کوه‌سرخ، تعادل بخشی ناحیه‌ای.

مقدمه

از گذشته تا به امروز، در تمامی تمدن‌ها یا کشورها، شهرنشینی بارزترین نحوه‌ی تکامل جوامع انسانی به شمار می‌رود. با ظهور انقلاب صنعتی و با گسترش شتابان شهرها، مخصوصاً

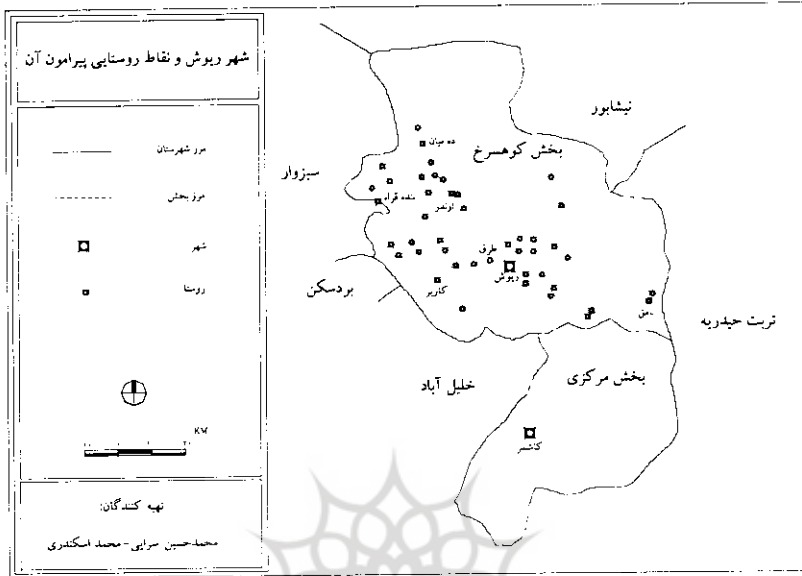
متروپل‌ها، جوامع انسانی ساکن در آنها، با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شده‌اند. یکی از بارزترین این مشکلات، تمرکزگرایی شدید در یک یا چند شهر و گسیختگی نظام سلسله مراتبی شهری در اکثر کشورها می‌باشد (Amy k.hahs, Mark j.mcdonnell, 2005: 51).

بر اساس تحقیقی که در سال ۱۹۷۶ صورت گرفته و در سال ۱۹۷۷ توسط سازمان ملل متحد منتشر شده، ۷۱ کشور از ۱۱۴ کشور در حال توسعه بر این عقیده بوده‌اند که توزیع فضایی جمعیت آنها غیرقابل قبول بوده و از این رو به اصلاحات اساسی برای ایجاد تغییرات قابل توجه در توزیع فضایی و جابجایی داخلی جمعیت پرداخته‌اند. ۲۴ کشور یا ۲۰ درصد کشورها بر این عقیده بوده‌اند که نحوه‌ی توزیع جمعیت در کشورشان تا حدی غیرقابل قبول بوده و در خور مداخله و سیاستگذاری است (Avijta, 1999: 54).

در ایران، شبکه‌ی شهری عملکرد سلسله مراتبی نداشته و شمار کانون‌های زیستی، توزیع فضایی و حجم جمعیتی آنها از یک نظام کارکردی سلسله مراتبی تبعیت نمی‌کند و شبکه‌ی شهری همچنان در جهت تمرکزگرایی در حال تحول است (نظریان، ۱۳۷۲: ۸۲).

از دیگر سو اگر هدف از توسعه‌ی کشور، توسعه‌ی همه مناطق خارج از شهرهای بزرگ باشد بطوری که علاوه بر شهرها، تمام نواحی روستایی را در برگیرد، یکی از مهمترین تلاش‌ها، عطف توجهات به شهرهای کوچک و به نوعی تعیین و ارزیابی آنها در توسعه‌ی ناحیه‌ای است (فنی، ۱۳۸۰: ۱۲). پیرو همین سیاست، برنامه‌ریزان شهری و مجریان امر منطقه‌ای به منظور تمرکززدایی از قطب‌های بزرگ شهری و در راستای تجدید سلسله مراتب شهری دست به اقداماتی زده‌اند که از جمله می‌توان به ایجاد شهرهای جدید، تقویت شهرهای اقماری و تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک اشاره کرد.

با توجه به شلوغی بیش از حد شهرهای بزرگ و مشکلات ناشی از آن و هزینه‌ی گزاف احداث شهرهای جدید در ایران و عدم موفقیت کامل آنها (آبادی، ۱۳۷۹: ۸۱) و همچنین تقویت شهرهای اقماری که خود در دراز مدت منجر به تمرکزگرایی و فشار بیشتر بر مادر شهر می‌شود، یکی از بهترین ایده‌ها، جهت تمرکززدایی و توسعه‌ی همه مناطق کشور و تقویت یک شبکه‌ی شهری منظم، ایجاد شهرهای کوچک می‌باشد. به همین منظور، در طرح ایران ۱۴۰۰ به توسعه و تقویت شهرهای کوچک و مستعد با تحقق شعار ورود ایران به ۱۴۰۰ با ایجاد ۱۴۰۰ نیک‌شهر اسلامی مورد توجه قرار گرفته است (خرامه، ۱۳۸۰: ۱۴۷). شهر ریوش در ناحیه‌ی مرکزی و غرب استان خراسان رضوی و با فاصله ۲۷۱ کیلومتری از مرکز استان و ۳۰ کیلومتری شمال شهر کاشمر واقع شده است. شهر مزبور مرکز بخش کوه‌سرخ است که همراه با ۲۸ روستای اطراف خود، تنها منطقه‌ی کوهستانی شهرستان کاشمر به شمار می‌آید. این بخش، از شرق به شهرستان تربت حیدریه، از شمال به شهرستان‌های سبزوار و نیشابور، از جنوب به شهرستان‌های بردسکن و خلیل‌آباد منتهی می‌شود.



شهر ریوش، بر اساس قانون تقسیمات کشوری در سال ۱۳۷۹، با ملاک مرکز بخش بودن، به عنوان تنها نقطه‌ی شهری بخش کوهسرخ معرفی شد. که متعاقب آن، کارکردهایی در بُعد درون‌شهری و ناحیه‌ای به این شهر محول گردید. این بخش به عنوان محروم‌ترین و مهاجرپرست‌ترین بخش، در شهرستان کاشمر معرفی شده است (حسین‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۵۰).

این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که آیا اقدام تبدیل روستا به شهر می‌تواند به عنوان گامی در جهت رسیدن به اهداف توسعه متعادل ناحیه‌ای و منطقه‌ای نظیر کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای همجوار و بزرگ و تثبیت جمعیت و ایجادهای شغلی و افزایش و بهبود کارکردهای خدماتی تلقی گردد؟ نتایج این سؤال می‌تواند برنامه‌ریزان و طراحان توسعه‌ی ناحیه‌ای را در رسیدن به اهداف تعادل بخشی ناحیه‌ای یاری نماید.

روش تحقیق

در این تحقیق که از نوع کاربردی است، با روش توصیفی-تحلیلی به فرآیند تبدیل روستاهای بزرگ به شهر و نقش آنها در تعادل بخشی ناحیه‌ای پرداخته شده است. در این راستا، شهر ریوش و ناحیه‌ی کوهسرخ شهرستان کاشمر مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. متغیرهای مورد بررسی شامل جمعیت، اشتغال، امکانات آموزشی، بهداشتی، تسهیلات

عمومی، امکانات فرهنگی، اداری و ارتباطات بوده است. چیدمان اصلی تحقیق، ابتدا با مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی موجود فراهم شد. گام بعدی در این راستا، جمع‌آوری آمار و اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق مدل‌های آمون و تحلیل رویکرد؛ ضریب کشش‌پذیری (فنی، ۱۳۸۲: ۷۸)، ضریب آنتروپی، شاخص توسعه یافتگی مورس و تحلیل تغییرات سهمی-بخشی بود.

مبانی نظری تعادل ناحیه‌ای و ادبیات موضوع

تعادل بخشی ناحیه‌ای دانش واژه‌ای است که طی چند دهه‌ی اخیر، توجه‌ی بسیاری از برنامه‌ریزان منطقه‌ای را به خود جلب کرده است؛ وجود قطب‌های رشد، دوگانگی منطقه‌ای، افول شهرهای بزرگ، حاشیه‌نشینی شهری، مهاجرت جمعیت و مساله‌ی جنوب-شمال، حکایت از تأیید این مطلب داشته و تاکنون نیز تحقیقات بسیاری در هر یک از این مقولات، انجام گرفته است (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۲).

بر این اساس نظریه‌های مرتبط با موضوع را می‌توان به دو گروه قابل تطبیق و غیرقابل تطبیق در رابطه با شهر و ناحیه مورد مطالعه تقسیم‌بندی کرد. در ذیل، کارایی و یا عدم کارایی هر یک از نظریه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف- نظریات قابل تطبیق

در این گروه نظریاتی همچون مکان مرکزی به علت قرارگیری ناحیه در یک منطقه کاملاً کوهستانی و عدم فاصله برابر بین سکونت‌گاهها، قطب رشد به دلیل اینکه این نظریه برای شهرهای کوچک در مراحل اولیه توسعه، اهمیتی چندان قابل نیست، مرکز پیرامون به علت عدم تطابق با نظریه آمایش سرزمین و پارادیم توسعه‌ی پایدار سرزمین و هموار ساختن زمینه‌های عدم تعادل ناحیه‌ای تا تعادل بخشی ناحیه‌ای، جای می‌گیرند.

ب- نظریات غیرقابل تطبیق

در این دسته از نظریات، می‌توان به نظریه‌ی سیستم‌ها که بر این امر تأکید دارد که هدف اولیه‌ی برنامه‌ریزی ملی می‌بایست در جهت دستیابی به سلسله مراتب شهری و روستایی متوازن باشد (افتخاری و خرامه، ۱۳۷۵: ۲۸). نظریه راندینلی که تأکید بر ساختار سلسله مراتبی سکونت‌گاهها (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۶۲) و راههای افزایش میزان دسترسی مردم فقیر روستایی به شهر تأکید دارد (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۵۵) نظریه روستا-شهر که بر تثبیت درآمدهای روستایی و شهری و کاهش اختلاف بین آنها و گسترش شبکه کنش‌های متقابل اجتماعی در ناحیه (پایلی و سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۱۳) تثبیت شده است، اشاره کرد.



ایده‌ی موضوع مطالعه و بررسی شهرها یا نقاط شهری کوچک، در دنیای تحقیقات علمی شاید اولین بار با کار جانسون (۱۹۷۰) و بحث مراکز توسعه روستایی فانل (۱۹۷۶) آغاز گردید که جدیدترین موضوع در کار برنامه‌ریزی توسعه فضایی و منطقه‌ای بود (فنی، ۱۳۸۲: ۱۶).

بررسی‌های به عمل آمده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که شهرهای کوچک در توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین اهمیت خاصی داشته‌اند به عنوان مثال تحلیل امر مهاجرت و الگوی اشتغال در ۲۲ شهر کوچک برزیل نشان می‌دهد که با فراهم شدن امکاناتی در شهرهای کوچک، توفیقی در مهاجرت‌های روستایی به وجود می‌آید (شکویی، ۱۳۷۹: ۴۱۴).

هیندریک و تیتوس با مطالعه‌ی شهرهای کوچک در ۴ منطقه جاوه، مالی، سوزایلند و مکزیک، و ارتباط آنها با توسعه‌ی منطقه‌ای به این نتیجه می‌رسند که نباید به نقش مفید شهرهای کوچک در توسعه‌ی مناطق روستایی پیرامون آنها و نیز توسعه‌ی منطقه‌ای عمومیت داد. سطح و میزان توسعه‌ی منطقه پیرامونی این شهرها و شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم نیز باید مورد توجه قرار گیرد. بنابر این شرایط منطقه‌ای در قابلیت ایفای نقش مفید توسعه‌ای توسط شهرهای کوچک بسیار مهم است (Handrek, 2002: 379).

مرکز توسعه‌ی منطقه‌ای سازمان ملل متحد (UNCRD) اعتبار شهرهای کوچک و میانی در کشورهای در حال توسعه را بیشتر در گرو سیاست‌های توسعه کشاورزی شامل پخشایش روش‌های افزایش بهره‌وری و برنامه‌های سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های روستایی می‌داند. بنابراین آنچه پیشنهاد می‌شود، فقط مدرنیزاسیون و تنوع بخشی خود کشاورزی نیست، بلکه شروع فرآیند صنعتی شدن که بطور ارگانیک با توسعه‌ی کشاورزی پیوند خورده است باید مدنظر باشد (UNCHC, 1998).

در ایران با شکست سیاست قطب رشد و تبعات منفی ناشی از آن، بعد از جنگ سیاست کلی به سمت سیاست توسعه روستا شهری به خصوص راهبرد یوفرد حرکت نمود. این راهبرد که مبنای آن عدم تمرکز سرمایه‌گذاریها در سکونت‌گاههای انسانی با تأکید بر استراتژی توسعه بر محور شهری در تأمین حداقل شرایط برای مردم روستایی که آنها را قادر می‌سازد تا جوامع روستایی خود را به توسعه اجتماعی - اقتصادی برسانند (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۵۶). این راهبرد در ایران به شکل تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک در جهت خارج نمودن روستاها از انزوای جغرافیایی و تحقق تعادل‌های ناحیه‌ای نمود پیدا کرد.

تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک در ایران

الف - تبدیل روستا به شهر (خودرویی)

معیشت دسته‌جمعی و سکونت ثابت از مراحل پیشرفت تمدن انسان در ایران است که بعد از پی بردن او به فعالیت‌های کشاورزی امکان‌پذیر شده است. شهرنشینی حالت تکامل‌یافته و پیشرفته‌ای از نوع زندگی یکجانشینی است. زندگی یکجانشینی با استقرار در یک محل و اقدام به کشاورزی شروع شد و هسته روستاهای اولیه شکل گرفت (مستوفی‌الممالکی، ۱۳۸۰: ۳۴).

رشد جامعه‌ی روستایی ابتدا جنبه‌ی جمعیتی دارد، اما به زودی حدود جغرافیایی پیدا می‌کند تا جایی که قلمرو روستا وسیع‌تر و رشد آن تا سرحد یک شهرک، مسلم‌تر جلوه می‌نماید.

پس عوامل دگرگون‌کننده‌ی معیشت روستایی به معیشت شهری عبارتند از:

- ۱- رشد جمعیت که تعادل بین تقسیم آب و خاک با عدد جمعیت را به هم می‌زند؛
- ۲- محدودیت‌های مکانی - فضایی؛
- ۳- محدودیت توان‌های محیطی به ویژه اراضی قابل بهره‌برداری.

ب - تبدیل روستا به شهر (ضابطه‌ای)

- روستاهای بزرگ اندام و پرجمعیت که به دلیل داشتن آستانه‌ی جمعیتی به نقاط شهری تبدیل شده‌اند؛

- روستاهایی که با ادغام یکدیگر، به حد متعارف جمعیت نقاط شهری دست یافته‌اند و تبدیل به کانون‌های شهری شده‌اند (مستوفی‌الممالکی، ۱۳۸۰: ۳۹)؛

- روستاهایی که در حوزه‌ی نفوذ و پیرامون حوزه نفوذ شهرها قرار داشته‌اند و با توسعه‌ی فیزیکی این شهرها به فضای شهری تبدیل شده‌اند و در درون این شهرها هضم شده‌اند؛

- روستاهایی که در مرکز بخش قرار داشته و الزاماً باید به آنها امتیاز شهر شدن داد؛

یکی از اقداماتی که در سال‌های گذشته علی‌الظاهر در ارتباط با رشد، توسعه و تقویت شهرهای کوچک صورت گرفته است، تبدیل روستاهای بزرگ و مراکز بخش به نقاط شهری بوده است. این رخداد به سبب تغییر در معیارهای شناخت شهر در قانون تقسیمات کشوری ۱۳۷۱ در جهت ایجاد سهولت بیشتر در ارتقاء نقاط روستایی به نقاط شهری بوده است. این قانون اگر چه در سال‌های اولیه تأثیر چندانی در افزایش نقاط شهری نداشت، اما از سال ۱۳۷۵ به بعد، فرآیند تبدیل روستا به شهر، رشد فزاینده‌ای به خود گرفت. بطوری‌که فقط در یک‌سال (۱۳۷۹) ۱۲۰ شهر به تعداد نقاط شهری افزوده شد (البته به نظر می‌رسد که سرعت این روند به خصوص در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۹ بیشتر تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و فرآیند انتخابات بوده است). در مجموع پیامد این اقدامات، افزایش تعداد نقاط شهری کشور از ۶۱۲ شهر در سال ۱۳۷۵ به ۱۱۱۶ شهر در سال ۱۳۸۵ بوده است.



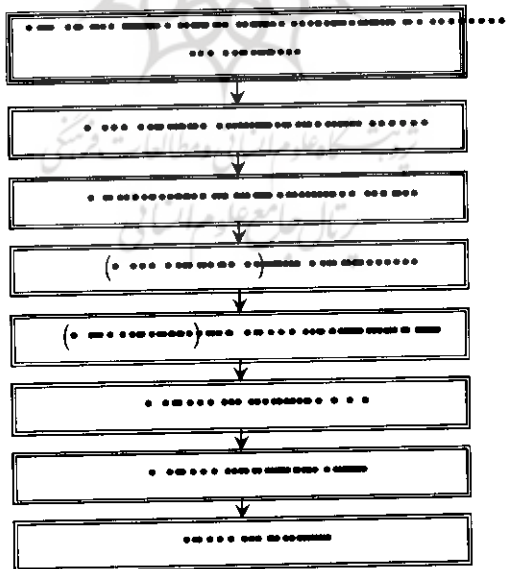
جدول ۱: معیارهای شناخت شهر در ایران

ردیف	سال	معیارها و ضوابط تبدیل روستا به شهر	تعداد شهرها	درصد جمعیت شهری
۱	قبل از ۱۳۳۵*	شاخص تاریخی - مراکز استان		
۲	**۱۳۳۵	نقاط بیش از ۵ هزار نفر جمعیت	۱۹۹	۳۱/۴٪
۳	**۱۳۴۵	نقاط بیش از ۵ هزار جمعیت - تمام مراکز شهرستانها	۲۶۵	۳۷/۹٪
۴	**۱۳۵۵	نقاط بیش از ۵ هزار جمعیت - تمام مراکز شهرستانها	۳۷۳	۴۷/۳٪
۵	**۱۳۶۵	دارا بودن شهرداری - نقاط بیش از ده هزار نفر	۵۳۳	۵۴/۴٪
۶	**۱۳۷۵	روستاهای مراکز بخش - نقاط بیش از ده هزار نفر	۶۱۲	۶۱/۳۱٪
۷	***۱۳۸۵	روستاهای مراکز بخش - نقاط بیش از ده هزار نفر	۱۱۱۶	۶۸/۴٪

* (کامیار، ۱۳۸۲). ** (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). *** (سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

البته علاوه بر داشتن ملاک‌های تبدیل روستا به شهر، باید یک روند اداری - قانونی نیز طی شود. در چارت زیر مراحل قانونی و اداری این فرآیند بیان شده است؛

روند اداری - قانونی تبدیل روستا به شهر در ایران



منبع: بخش فنی وزارت کشور، ۱۳۸۴

تبدیل روستا به شهر و نقش آنها در تعادل ناحیه‌ای

شاید مهمترین نقشی که برای شهرهای کوچک می‌توان بیان نمود، انتقال و تقویت توسعه در ناحیه تحت نفوذ روستایی باشد. نقشی که امکان می‌دهد هر یک از این شهرها، عملکرد خاص خود را به کارگیری استعدادها و قابلیت‌های توسعه و تحرک شبکه شهری- روستایی در ناحیه موجب گردند (فنی، ۱۳۸۲: ۴۲). این شهرها می‌توانند ابزاری مناسب برای پیوند روستا- شهری باشند که نقش یک حلقه‌ی واسط بین نواحی روستایی و سطوح بالاتر سلسله مراتب شهری را بر عهده گیرند. این امر به افزایش تولیدات کشاورزی، مبادله‌ی کالا بین شهر و حومه و مشارکت اقتصادی بین شهر و حومه کمک می‌کند. منطق به کارگیری این شهرها برای بهبود پیوندهای روستایی- شهری ناشی از نیازهای زیر است (زبردست، ۱۳۸۳: ۳۴):

- جذاب‌ترین و قانع کننده‌ترین منطق برنامه شهری کوچک، اهمیت پیوندهای روستایی شهری در رشد اقتصاد بازار کشاورزی است؛
- نیاز به بهبود دسترسی بازارها برای نهادهای کشاورزی؛
- ایجاد زمینه اشتغال برای نیروی کار مازاد روستایی؛
- ایجاد بازار برای کالای کشاورزی؛
- ایجاد مکانی برای تمرکززدایی صنعت در کشور؛

در واقع این اعتقاد وجود دارد که بدون یک سازمان فضایی سکونت یا به عبارت دیگر سلسله مراتب عملکردی سکونت گاهی، اهداف تعادل بخشی توسعه، محقق نمی‌شود. وجود یک سلسله مراتب روشن زیست‌گاه‌های انسانی، که از لحاظ کارکردی یکپارچه باشند، باعث خواهد شد که با توزیع مناسب امکانات و خدمات در مناطق روستایی، فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی منطقه سازمان یافته و روابط سلسله مراتبی بین سکونت‌گاهها به وجود آید و پیرو آن، تفاوت و شکاف‌های کیفی زندگی، در درون ناحیه و میان مناطق به حداقل خواهد رسید و در نهایت از میان برداشته می‌شود و در جهت نایل شدن به این اهداف، بهترین و کارآمدترین بهره‌گیری ممکن، از مواهب طبیعی و استعدادهای انسانی یک ناحیه، میسر خواهد شد.

از دیگر مزایایی که این شهرها برای ناحیه خود می‌توانند داشته باشند، نقش سیاسی است که این شهرها به خود می‌گیرند. سطوح پایین و مراکز دولتی، در این شهرها پا می‌گیرند و از طریق چنین مراکزی است که نیازها و خواسته‌های جمعیت یک ناحیه، کانالیزه می‌شود و بر سیاست و اختصاص منابع در سطوح بالاتر، تأثیر می‌گذارد. و اگر این نقش (قدرت) از این مراکز سلب شود، این مراکز نمی‌توانند به عنوان مکان‌های انتقال‌دهنده‌ی تقاضای محلی ایفای نقش نمایند و لذا در حل و فصل و رفع مسایل و نیازهای توسعه‌ی محلی، تضعیف و کم‌پنیه می‌شوند (فنی، ۱۳۸۲: ۳۳).



در مجموع، اینها کل منطقه را تحت تأثیر عملکرد نقش خود قرار می‌دهند و می‌توانند مجموعه عوامل لازم را بر شکوفایی مناطق پیرامون خود فراهم سازند. این امر فقط با پیگیری تأمین امکانات زیربنایی، آموزشی، بهداشتی و درمان تحقق‌پذیر خواهد بود. بنابراین کانون‌های کوچک با توسعه‌ی متوازن و هماهنگ با شرایط محیطی خود، از یک‌سو باعث کاهش تفاوت‌های اقتصادی اجتماعی درون‌ناحیه‌ای می‌شوند و از سوی دیگر به تحقق عوامل و زمینه‌های توسعه پایدار می‌انجامند.

تبدیل روستا به شهر و نقش آنها در تعادل بخشی منطقه‌ای کاشمر

چنانکه خاطرنشان ساختیم از سال ۱۳۷۵ به بعد، فرآیند تبدیل روستا به شهر، رشد فزاینده‌ای به خود گرفت. نمود آن را می‌توان در تبدیل ۴ نقطه‌ی روستایی (ریوش، کندر، درونه، انابد) به شهر کوچک در منطقه کاشمر مشاهده کرد که اجرای این سیاست تأثیر و تأثراتی را در نظام شهری منطقه و توزیع فضایی جمعیت برجای گذاشته است. از این رو با استفاده از ضریب آنتروپی برآنیم تا با کاربرد این مدل به مقایسه‌ی میزان تعادل فضایی استقرار جمعیت در سطح منطقه‌ای، در قبل و بعد از اجرای این سیاست پردازیم و با استفاده از این شاخص، تأثیر وجودی شهرهای کوچک، در تحقق هر یک از اشکال توسعه یا تمرکز در نظام توزیع جمعیت منطقه کاشمر مورد شناسایی و تحلیل قرار گیرد.

جدول ۲: محاسبه‌ی ضریب آنتروپی منطقه‌ی کاشمر

سال			۱۳۷۵ (قبل از تبدیل به شهر)			۱۳۸۴ (بعد از تبدیل به شهر)		
بقات شهری			pi	Lnpi	Pi.Lnpi	pi	Lnpi	Pi.Lnpi
کمتر از ۹۹۹۹			—	—	—	۰/۴	-۰/۹۱	-۰/۳۶۴
۳۰-۱۰ هزار			۳۳٪	-۱/۱۰	-۰/۳۶۳	۰/۲	-۱/۶۰	-۰/۳۲
۱۰۰-۳۰ هزار			۳۳٪	-۱/۱۰	-۰/۳۶۳	۰/۱	-۲/۳۰	-۰/۲۳
بیشتر از ۱۰۰ هزار			۳۳٪	-۱/۱۰	-۰/۳۶۳	۰/۳	-۱/۲۰	-۰/۳۶
Σ			۱	-۲/۳۰	-۱/۰۸۹	۱	-۶/۰۱	-۱/۲۷۴

مأخذ: محاسبات نگارندگان

برای به دست آوردن ضریب آنتروپی از فرمول‌های زیر استفاده می‌شود:

$$H = -\sum p_i \ln p_i$$

$$G = \frac{H}{Lnk}$$

H: مجموع فراوانی نسبی در لگاریتم نپری فراوانی نسبی

Pi: فراوانی نسبی

K: تعداد طبقات

G: ضریب آنتروپی یا آنتروپی نسبی

Lnpi: لگاریتم نپری فراوانی نسبی

بر اساس این محاسبه در سال ۱۳۷۵، $G=78.9\%$ بوده در حالی که این مقدار در سال ۱۳۸۴ به $G=92.3\%$ رسید. بر اساس این مدل، اگر آنتروپی به طرف صفر میل کند حکایت از تمرکز بیشتر و عدم تعادل در توزیع جمعیت شهرها دارد و بالاتر از آن توزیع متعادل‌تری را در عرصه منطقه‌ای نشان می‌دهد (Sudhira, 2003: 299-311). از اعداد به دست آمده چنین استنتاج می‌شود که این فرآیند تأثیر نسبتاً مطلوبی در توزیع متعادل جمعیت و استقرار سکونت‌گاهها در سطح منطقه کاشمر داشته است و منطقه را به سوی تعادل در سلسله مراتب شهری و توزیع فضایی نشان می‌دهد.

شهر کوچک ریوش و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای کوه‌سرخ

چنان که خاطر نشان ساختیم، شهر ریوش در اوایل سال ۱۳۷۹، بر اساس ضابطه‌ی مرکز بخش بودن به شهر تبدیل و به عنوان تنها شهر ناحیه‌ی کوه‌سرخ معرفی گردید. لازم به ذکر است که این بخش، به عنوان محروم‌ترین و در عین حال مهاجر فرست‌ترین بخش در شهرستان کاشمر محسوب می‌شود. از این رو برآنیم با استفاده از آزمون‌ها و مدل‌های مختلف، ناحیه میزان توانایی این شهر را در تثبیت جمعیت ناحیه، میزان توسعه‌یافتگی نقاط روستایی حوزه نفوذ، توانایی شهر در ایجاد اشتغال و رشد منطقه‌ای مورد سنجش و ارزیابی قرار دهیم.

الف - تثبیت جمعیت

برای آزمون کردن توانایی نقطه‌ی مزبور در جذب و تثبیت جمعیت شهر و ناحیه‌ی مورد مطالعه، از ضریب کشش‌پذیری استفاده شده است که این ضریب برای تعیین و ارزیابی میزان انعطاف‌پذیری جمعیتی کانون‌های شهری در مقابل کل ناحیه یا منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد. این ضریب در این شهر در دو دوره‌ی زمانی قبل از شهر شدن و بعد از شهر شدن مورد محاسبه قرار گرفته است.

جدول ۳: ضریب کشش‌پذیری شهر و ناحیه‌ی ریوش (۸۴-۱۳۷۵)

سال	۱۳۷۵-۷۹	۱۳۷۹-۸۴
ریوش	۱/۵	۰/۹۵
شهرستان	۲/۰۳	۱/۱۴
ضریب کشش‌پذیری	۰/۷۳۸	۰/۸۳۴

(هاشمی و دیگران، ۱۳۸۴)، (مهندسین مشاور شارستان طرح، ۱۳۸۴).
(حسین‌زاده، ۱۳۸۴). محاسبات نگارندگان

همانطور که ملاحظه می‌گردد ضریب کشش‌پذیری در دوره‌ی زمانی ۷۹-۷۵ در حدود ۷۳۸٪ بوده است. این در حالی است که این رقم به ۸۳۴٪ در دوره زمانی بعدی می‌رسد. از این اعداد و ارقام چنین استنباط می‌شود که اولاً: در هر دو دوره زمانی ضریب کشش‌پذیری در این شهر کمتر از یک می‌باشد و این حاکی از آنست که در هر دوره، شهر مزبور دارای ضعف در تثبیت جمعیت و مهاجرفرست بوده است. ثانیاً: در دوره‌ی زمانی دوم تا حدودی وضعیت نسبت به دوره زمانی اول بهتر شده است، اگر چه کماکان مهاجرفرستی وجود دارد.

ب- میزان توسعه‌یافتگی نقاط روستایی ناحیه

برای تعیین این مقدار، از شاخص توسعه‌یافتگی موریس که از جدیدترین الگوهای رسمی به کار گرفته شده در سطح جهانی است، استفاده می‌شود (دلیر، ۱۳۸۲: ۱۵۲). این شاخص با استفاده از اطلاعات گردآوری شده در زمینه خدمات و کارکردهای شهری در واحدهای سکونت‌گاهی حوزه‌ی شهری نفوذ شهر کوچک مورد مطالعه، ساخته و پرداخته شده است. در این گونه مطالعات، هدف از محاسبه و ارزیابی این شاخص، تعیین میزان توسعه‌یافتگی نقاط روستایی و سکونت‌گاههای حوزه نفوذ یک شهر است و این که این شهرها، تا چه میزان موجب بسط کارکردها و خدمات خود به درون نواحی پیرامونی می‌شوند (فنی، ۱۳۸۲: ۹۴).

برای دستیابی به میزان توسعه‌یافتگی، برای تک تک روستاهای ناحیه‌ی کوه‌سرخ در دو دوره‌ی زمانی ۷۹-۷۵ و ۸۴-۷۹ شاخص اصلی توسعه (D.I) مورد محاسبه قرار گرفته شده و رتبه‌ی هر سکونت‌گاه در هر دوره‌ی زمانی مشخص گردید.



جدول ۴: میزان توسعه یافتگی حوزه نفوذ ریوش در قبل و بعد از شهر شدن

فاصله تا ریوش (کیلومتر)	رتبه	شاخص اصلی توسعه ۱۳۸۵(D.I)	رتبه	شاخص اصلی توسعه ۱۳۷۵ (D.I)	روستا	ردیف
۱۰	۱	٪۶۸	۴	٪۶۳	طرق	۱
۳۰	۴	٪۵۰	۳	٪۶۵	کریز	۲
۷۵	۱۱	٪۲۵	۱۲	٪۲۳	بنده قراء	۳
۱۳	۱۲	٪۲۳	۱۳	٪۲۱	قراچه	۴
۲۰	۱۷	٪۱۸	۱۵	٪۱۷	پایین دره	۵
۲۰	۱۸	٪۱۲	۱۶	٪۱۵	تجرود	۶
۲۲	۲۷	٪۳	۲۸	٪۳	تیمور	۷
۴۵	۱۹	٪۱۱	۱۹	٪۱۱	خرو	۸
۱۰	۵	٪۴۳	۶	٪۴۳	ایور	۹
۳	۱۰	٪۲۶	۱۴	٪۱۹	مکی	۱۰
۴	۱۶	٪۱۸	۲۴	٪۶	تولی	۱۱
۲۷	۳	٪۵۲	۱	٪۷۰	نامق	۱۲
۱۱	۱۵	٪۲۰	۱۱	٪۲۵	موشک	۱۳
۵	۱۳	٪۲۱	۸	٪۲۴	کوشه	۱۴
۱۶	۲۰	٪۱۰	۱۷	٪۱۳	تنورچه	۱۵
۵	۱۴	٪۲۱	۱۸	٪۱۱	علی آباد	۱۶
۳	۲۴	٪۶	۲۵	٪۳	بختیار	۱۷
۸	۲۱	٪۸	۲۳	٪۶	کوشه‌نما	۱۸
۳۶	۲۵	٪۵	۲۰	٪۸	اکبرآباد	۱۹
۴۶	۲۸	٪۳	۲۷	٪۳	چلیو	۲۰
۲۵	۲	٪۶۳	۲	٪۶۸	اوندرد	۲۱
۳۰	۹	٪۲۸	۷	٪۴۰	خضربیک	۲۲
۴۰	۶	٪۳۷	۵	٪۵۰	ده میان	۲۳
۳۵	۷	٪۳۶	۹	٪۳۳	توندر	۲۴
۳۵	۸	٪۲۹	۱۰	٪۲۷	قصون	۲۵
۴۸	۲۲	٪۸	۲۱	٪۸	سنجدک	۲۶
۴۲	۲۳	٪۸	۲۲	٪۸	داغی	۲۷
۴۰	۲۶	٪۴	۲۶	٪۳	خضراآباد	۲۸

مآخذ: محاسبه‌ی نگارندگان

از تحلیل این شاخص‌ها، می‌توان به نکات چندی پی برد:

- پس از بررسی در چهار سطح از حیث توسعه‌یافتگی نقاط پیرامونی مشخص شد که تعداد سکونت‌گاهها در هر کدام متفاوت است. از مقایسه‌ی نتایج ۲ دوره مشخص می‌شود که در دوره‌ی زمانی اول ۱۷ روستا، در گروه روستاهای محروم جای گرفتند که این تعداد در دوره‌ی بعد نیز همین تعداد می‌باشد که نشانگر این نکته است که شهر مورد مطالعه در بسط خدمات کارکردها به درون نقاط پیرامونی موفقیتی کسب نکرده است.

- اکثر روستاهایی که در گروه روستاهای محروم قرار داشته‌اند، فاصله‌ی زیادی از مرکز داشته و این نتیجه را می‌رساند که حوزه‌ی نفوذ شهر فقط در چند کیلومتری شهر قرار دارد.

- دوری یا نزدیکی به شهر نمی‌تواند تنها ملاک توسعه‌یافتگی حوزه‌ی پیرامون شهر باشد. چنانکه مشاهده می‌شود، روستای اوند در فاصله ۲۰ کیلومتری از شهر در جذب امکانات و خدمات در طی زمانی بعد از شهر شدن موفق بوده در حالی که روستای بختیار با ۳ کیلومتر فاصله از شهر در میزان توسعه‌یافتگی ناموفق و در گروه روستاهای محروم قرار گرفته است.

در مجموع می‌توان به این ارزیابی رسید که نقاط روستایی حوزه‌ی نفوذ شهر کوچک مورد مطالعه، از لحاظ امکانات و تسهیلات اولیه زیستی در سطح پایینی قرار دارند و شهر مورد نظر توانمندی و کارایی مؤثر و مفیدی در ارتقای وضعیت نواحی پیرامونی خود، ارائه نداده که شاید مهمترین دلایل آن، توسعه‌نیافتگی و سطح پایین استانداردهای زیستی در خود شهر مورد مطالعه است. بطوری که توانایی لازم در انتقال همان سطح ناچیز از توسعه و کارکردهای شهر را نیز نداشته است.

ج- ایجاد فرصت‌های شغلی و رشد ناحیه‌ای

یکی از مهمترین عواملی که امروزه می‌تواند به از بین بردن اختلاف بین مناطق و رسیدن به تعادل کمک کند، اشتغال است. بطوری که برخی از صاحب نظران این عامل را در کشور ما مهمترین عامل در تثبیت جمعیت یک ناحیه و ایجاد تعادل ناحیه‌ای یا منطقه‌ای معرفی می‌کنند.

به همین منظور، اقدام به ارزیابی اشتغال در شهر مورد مطالعه شده و انتظار می‌رود که نتایج آن سنخیت بیشتری با واقعیت‌های موجود داشته باشد. در اینجا برای سنجش این عامل در شهر و ناحیه‌ی مورد نظر از روش تحلیل تغییرات سهمی - بخشی استفاده شده است.

بطور کلی این تحلیل، شیوه‌ای است که تلاش می‌کند برخی از عوامل مرتبط با اختلاف رشد و در نتیجه اختلاف در امکانات اشتغال مناطق با مراکز محلی (مانند شهرهای کوچک) را مطالعه نماید. در این مطالعه این روش برای ارزیابی نقش اشتغالی شهر ریوش در ساختار کلان

اشتغالی منطقه استفاده شده است. هدف اصلی و اولیه از اجرای این روش، تقسیم بخشی شهر طی دوره‌ی زمانی معین به سه جزء ترکیبی است:

- اولین جزء سهم اشتغال بخشی شهر در نرخ رشد کلی منطقه شهرستان کاشمر است.
- دومین جزء اثر عناصر جانبی در رشد اشتغال شهر را نشان می‌دهد.
- سومین جزء سهم شهر از رشد منطقه‌ای است.

موضوع مهم در این روش، کاربرد نرخ رشد بخش منطقه‌ای، جهت ارزیابی رشد بخشی شهر است که بدین ترتیب یک نرخ رشد فرضی برای شهر به دست می‌آید و تفاوت میان رشد فرضی برای شهر و نرخ رشد منطقه‌ای، سنجش و معیاری برای تعیین تناسب یا عدم تناسب ترکیب اشتغال بخشی شهر می‌باشد. تفاوت‌های مثبت و منفی بیانگر این تناسب یا عدم تناسب ساختاری است (فنی، ۱۳۸۲: ۸۴). علاوه بر اینها، یک نرخ رشد قطعی نیز وجود دارد یعنی نرخ رشدی که باید برای شهر تحقیق می‌یافت.

جدول ۵: تحلیل تغییرات سهمی بخش‌های سه گانه‌ی اقتصادی شهر ریوش نسبت به شهرستان کاشمر

سال	بخش‌های اقتصادی	نرخ رشد اشتغال شهر	جزء باقیمانده	جزء ساختاری	نرخ رشد اشتغال شهرستان
۱۳۷۵-۱۳۷۹	کشاورزی	-۶۱	۲	-۵۰	-۱۱
	صنعت	-۷۹	-۱۹	-۶۴	۵
	خدمات	۲۶	۹	-۱۰	۲۷
۱۳۷۹-۱۳۸۴	کشاورزی	-۱۱۸/۸	-۸/۸۶	-۸۱	-۲۹
	صنعت	-۲۷/۷	-۴	-۶۴	۴۰/۳
	خدمات	۱۲۰	۱۱۳	-۱۸	۸۶

قابل ذکر است که در این جدول جزء باقیمانده‌ی نرخ رشد شهری ناشی از عوامل جنبی است. جزیی که می‌تواند تفسیرهای مختلفی به خود بگیرد یک جزء باقیمانده مثبت به این معناست که نرخ رشد شهر در آن بخش، بالاتر از نرخ رشد منطقه‌ای در همان بخش می‌باشد و برعکس، جزء ساختاری هم تفاوت بین دو جزء را بیان می‌کند؛ یکی نرخ رشد انتظاری شهر و دیگر نرخ رشد منطقه‌ای. بنابراین اگر شهر ترکیب مناسب اشتغالی داشته باشد، انتظار می‌رود



این عنصر نقش مثبتی در نرخ رشد شهری داشته باشد و اگر ترکیب اشتغالی شهر نامناسب باشد انتظار می‌رود این جزء منفی گردد.

با تفسیر این جدول نیز می‌توان به نتایجی دست پیدا کرد:

- در هر دو دوره‌ی زمانی فقط بخش خدمات است که رشد آن قابل قبول می‌باشد و در دو بخش دیگر این روند، منفی بوده است.

- شهر ریوش در بخش صنعت در دو دوره‌ی زمانی قبل و بعد از شهر شدن، دارای عملکرد منفی بوده و تغییر الگوی سکونتی این نقطه فاقد هرگونه تأثیر در این بخش می‌باشد.

- با توجه به اینکه در شهر و ناحیه مورد مطالعه، هیچ صنعت خاصی پا نگرفته اما در بخش کشاورزی در دوره‌ی دوم (یعنی بعد از شهر شدن) شاهد کاهش نرخ اشتغال در این بخش می‌باشیم و این امر بدین معناست که تنها بخش مولد شهر و ناحیه، روند نزولی داشته و در نتیجه ساکنان برای کسب کار و درآمد اقدام به مهاجرت می‌کنند.

- از طرف دیگر بخش کشاورزی در ناحیه‌ی مورد مطالعه و حتی در منطقه کاشمر با کاهش شدیدی در نرخ رشد اشتغال روبرو بوده که ناشی از عوامل گوناگونی همچون خسارت شدید به باغات و مزارع، کمبود آب و تخلیه بعضی از روستا از سکنه و... می‌توان اشاره کرد.

- با نگاهی به جدول در جزء ساختاری متوجه این موضوع می‌شویم که نرخ رشد انتظاری شهر مورد مطالعه در تمامی موارد در مقابل کل منطقه (شهرستان) منفی می‌باشد که ناشی از عدم موفقیت این شهر در ارزیابی شغل و امکانات شغلی در مقایسه با کل منطقه (شهرستان) می‌باشد.

- از جزء باقیمانده هم می‌توان پی برد که فقط در بخش خدمات، نرخ رشد شهر بالاتر از نرخ رشدی است که می‌توانست اتفاق بیفتد که این امر هم ناشی از استقرار ادارات، بانک‌ها و ارگان‌های دولتی می‌باشد.

در مجموع این شهر در ارزیابی امکانات و فرصت‌های شغلی و به تبع آن تثبیت جمعیت و جلوگیری از مهاجرت دارای عملکرد موفق نبوده است.

نتیجه‌گیری و آرایه راهبردها

تغییر در قانون نظام تقسیمات کشوری در دهه‌های اخیر باعث تغییرات شدید الگوی نظام سکونت‌گاهی در ایران شده است. این امر باعث پهن‌تر شدن قاعده‌ی هرم سلسله مراتب شهری و ایجاد شکاف بیشتر طبقات جمعیتی در کشور شده است.

در این مقاله به تحلیل فرآیند تبدیل روستاهای بزرگ به شهر و نقش آنها در تعادل بخشی ناحیه‌ای پرداخته شد. در این راستا شهر ریوش و ناحیه‌ی کوه‌سرخ به عنوان نمونه‌ای از شهرستان کاشمر مورد ارزیابی، تحلیل و سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از یافته‌ها نشان

می‌دهد که این شهر در تثبیت و نگهداری جمعیت شهر و ناحیه، عملکرد ضعیفی داشته، بطوری که ناحیه‌ی تحت پوشش آن در شهرستان کاشمر به عنوان مهاجرفرست‌ترین بخش قرار گرفته است.

در مطالعه‌ی موردی سه جنبه‌ی مهم یک شهر که می‌بایست در ناحیه‌ی خود ایفا کند در شهر ریوش مورد آزمون و سنجش قرار گرفت. در نخستین کارکرد، یعنی توانایی تثبیت و نگهداری جمعیت شهر و ناحیه، این شهر عملکرد ضعیفی داشته است و همچنان ناحیه تحت پوشش خود را به عنوان مهاجرفرست‌ترین، بخش در شهرستان کاشمر نگه داشته است.

در ارزیابی خدمات و بسط کارکردهای شهری به درون نواحی پیرامون و حوزه‌ی نفوذ، باز هم این شهر عملکرد مناسبی نداشته است. بطوری که میزان توسعه یافتگی روستاهای حوزه نفوذ شهر در دوره‌ی زمانی مورد بررسی تغییرات چشمگیری به خود ندیده است. یکی از مهمترین دلایل این وضعیت، توسعه نیافتگی و سطح پایین استانداردهای شهری در شهر مورد مطالعه می‌باشد. البته عدم همکاری لازم میان مسؤولان و سازمان‌های مربوطه در سطح محلی و ناحیه‌ای در اجرای به موقع و کامل برنامه‌ها و طرح‌ها نیز در به وجود آمدن چنین وضعیتی را نمی‌توان نادیده گرفت. شهر ریوش در ایجاد اشتغال و ارائه فرصت‌های شغلی به جمعیت ناحیه خود عملاً نتوانسته عملکرد موفقی داشته باشد. شهر مزبور در کارکرد خدماتی از بین کارکردهای دیگر شهری شرایط کاملاً متفاوتی داشته بطوری که شهر در این بخش رشد قابل قبولی به دست آورده است.

دلیل اصلی این رشد، استقرار ادارات، نهادها و ارگان‌های دولتی در این شهر بوده است. لازم به ذکر است که اکثر کارکنان این ادارات را افراد غیر بومی که همه روزه در حال تردد به شهر کاشمر هستند، تشکیل می‌دهند. نتیجه‌ی کلی این پژوهش نشان می‌دهد که در این شهر و شهرهای مشابه در ایران عمده سرمایه‌گذاری‌ها به امور زیربنایی و خدماتی اختصاص داده می‌شود نه به زیرساخت‌های تولیدی و پایه‌ای. اجرای این راهبرد فقط باعث تمرکز خدمات در آنها شده است. این شهرها نه تنها در اجرای نقش توسعه‌ی درونی خود موفق نیستند بلکه در سطح ناحیه‌ای نیز نقش شهر را در مقیاس محدودتری به عهده گرفته‌اند و ساکنان این گونه شهرها نه تنها از منابع اقتصادی حاصله سودی نمی‌برند بلکه اغلب به واسطه‌ی ناچیز بودن سرمایه‌گذاری ملی در زمینه‌ی تأسیسات پایه‌ای و تولیدی تعداد محدودی از مهاجران روستایی را جذب می‌کنند.

حال اگر هدف، دستیابی به توسعه‌ای متعادل و منطقی و همسو با توسعه‌ی پایدار شهری و ناحیه‌ای باشد باید نکاتی چند مد نظر قرار گیرد.

- برای ایجاد بسط یک محیط شهری و ناحیه‌ای متجانس، همگون و دارای روابط کامل، برقراری و تجهیز یک شبکه‌ی ارتباطی، خدماتی و رشد دادن نهادها و ساختارهای

اساسی در شهر ریوش، به ویژه در رابطه با نواحی روستایی آنها، بسیار مهم و حیاتی خواهد بود. علاوه بر آن، موقعیت طبیعی ناحیه (کوهستانی بودن) ضرورت آن را دوچندان می‌کند.

- تأمین نیازهای اساسی و تسهیلات و زیرساخت‌ها در شهر ریوش.
- سرمایه‌گذاری مستقیم و حمایت و دخالت دولت در تشویق سرمایه‌گذاری (خصوصی و دولتی) مخصوصاً در صنایع کوچک و اشتغال‌زا و مرتبط با کشاورزی.
- توجه به بخش خصوصی در تأمین اشتغال شهر ریوش در برنامه‌های توسعه شهر و حمایت دولت از این بخش.
- احداث شهرک صنعتی و مؤسسات آموزش عالی برای پرورش نیروی انسانی ماهر و کارآمد.
- اتخاذ سیاست‌های توسعه کشاورزی مناسب، بهبود خدمات کشاورزی و بازار محصولات.
- تقویت روابط و پیوندهای جامعه شهری و روستایی و روابط بین شهر کوچک و حوزه نفوذ
- پرکردن شکاف بین صنعت و کشاورزی.
- توزیع نهادهای کشاورزی و فرآوری محصولات کشاورزی.

منابع و مأخذ

- ۱- افتخاری، عبدالرضا، خرامه، حسن (۱۳۷۵): مکانیابی سلسله مراتب سکونت‌گاههای روستایی. فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی. شماره ۳۵. مشهد.
- ۲- پایلی‌یزدی، محمدحسین، سناجردی، حسین (۱۳۸۳): نظریه‌ها شهر و بیرامون. چاپ اول. انتشارات سمت.
- ۳- حسین‌زاده‌دلیر، کریم (۱۳۸۲): برنامه‌ریزی ناحیه‌ای. چاپ دوم. انتشارات سمت.
- ۴- حسین‌زاده، هادی (۱۳۸۴): برنامه‌ریزی توسعه فضایی شهرستان گاشمر. رساله کارشناسی ارشد. گروه جغرافیا. دانشگاه یزد.
- ۵- حسینی، سیدعلی (۱۳۸۵): مبانی فنی و اجرایی حقوق شهری و منطقه‌ای در ایران. چاپ اول: انتشارات حق‌شناس.
- ۶- خرامه، حسن (۱۳۸۰): تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی مورد استان فارس. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- ۷- زبیری، کرامت‌اله (۱۳۸۳): مکتب‌ها، نظریه و مدل‌ها در برنامه‌ریزی منطقه‌ای. چاپ اول. انتشارات دانشگاه یزد.
- ۸- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۳): اندازه شهر. چاپ اول. انتشارات مسکن و شهرسازی.
- ۹- سایت مرکز آمار ایران (۱۳۸۵): گزارشات اولیه سرشماری عمومی و نفوس مسکن ۱۳۸۵ کل کشور.